

حج فرصت مغتنمی برای خودسازی معنوی است

آیت‌الله جوادی‌آملی در پیامی به حجاج با بیان اینکه حج فرصت مغتنمی برای خودسازی معنوی است، گفت: حاجیان در این سفر معنوی باید یک تعامل متقابلی با خداوند داشته باشند که هم مهمان خدا باشند و هم میزبان او.



آیت‌الله جوادی‌آملی در پیامی به حجاج با بیان اینکه حج فرصت مغتنمی برای خودسازی معنوی است، گفت: حاجیان در این سفر معنوی باید یک تعامل متقابلی با خداوند داشته باشند که هم مهمان خدا باشند و هم میزبان او.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت‌الله جوادی‌آملی در پیامی به حجاج بیت‌الله الحرام به تبیین گوشه‌ای از رسالت حقیقی حجاج در این ضیافت الهی پرداخته و رسالت حاجیان را که میهمانان الهی هستند، تحکیم پیوند بین خود و ابراهیم خلیلی دانستند که به دستور خدا بنای کعبه را ساخت تا وحدانیت و احدیت خدای سبحان را تثبیت کند و شرک و بت پرستی را از جامعه جهانی برچیند.

این مرجع تقلید با بیان اینکه حج فرصت مغتنمی برای خودسازی معنوی است و حاجیان در این سفر معنوی باید یک تعامل متقابلی با خداوند داشته باشند که هم مهمان خدا باشند و هم میزبان او و این نمی‌شود مگر اینکه همگان در هر رتبه و تمکنی که هستند خود را در برابر ذات باری تعالی، ضعیف و فقیر بدانند و وظیفه مسئولان و روحانیون بعثه نیز تبیین این تعامل متقابل عبد و مولا در مسئله حج برای حاجیان است.

مشروح این خبر به شرح ذیل است؛

سلام الهی بر بانیان کعبه که بنیانگذاران قبله و مَطاف مسلمانان جهانیان هستند. سلام الهی بر منادیان توحید که از کنار این کعبه جهان بشریت را به وحدانیت و احدیت خدای سبحان دعوت کردند. سلام الهی بر همه کسانی که ندای ابراهیمی را و ندای نبوی علوی حسنی و حسینی(علیهم السلام) را پاسخ دادند و به زیارت این «بیت عتیق» شتافتند و سعی کردند آن را قبله رسمی و مَطاف جهانی بدانند.

رسالتی که به عهده حاجیان و معتمران است - که - ان شاء الله - با حج مقبول، عمره مقبول، زیارت مقبول و دعای مستجاب برگردند - تحکیم پیوند بین آن‌ها و خلیل خداست. وجود مبارک ابراهیم این بنا را به دستور خدا ساخت تا وحدانیت و احدیت خدای سبحان را تثبیت کند، اولاً؛ و منادی این ندای وحدت باشد، ثانیاً؛ و مهمانان را که «ضیوف الرحمن» هستند به این سرزمین دعوت کند، ثالثاً؛ تا جهان اسلام از شرک و امثال آن نجات پیدا کند.

وقتی ذات اقدس الهی به ابراهیم خلیل(سلام الله علیه) دستور ساختن مَطاف و قبله را داد، فرمود کسانی که به این سرزمین می‌آیند مهمانان من هستند، این‌ها «ضیوف الرحمن» می‌باشند. گرچه رحمت الهی گسترده است (وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ)، لکن در سرزمین وحی این رحمت موج می‌زند، چون (فیه آیاتٌ بَیِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهیمَ). وقتی «ضیوف الرحمن» شدند و «الله» میزبان این‌ها شد، این‌ها باید چیزی به همراه بیاورند؛ زیرا «وَ حَمْلُ الرِّادِ اقْبَحُ كُلِّ شَيْءٍ *** إِذَا كَانَ الْوُفُودُ عَلَی الْکَریمِ»، باید از کالای رحمانیت و رحیمیت الهی استفاده کنند و آن کالا که رزق کریم است، همان توحید است.

مهمانان اصلی این مَطاف و این قبله، «رجال» و «ضامِر» نشینها هستند. گرچه هر کسی بیاید این در به روی او باز است، اما مهمانان اصلی این مَطاف و این قبله پیاده‌ها و کسانی اند که دارای مَرکب و مَرکوب ضعیف و لاغرند (يَأْتُوکَ رَجَالًا وَ عَلَی کُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ)؛ مهمانان اصلی کسانی هستند که پیاده به مکه می‌آیند و مهمانان اصلی کسانی هستند که روی مَرکب‌های لاغر و ضعیف از انتهای درّه‌ها و منطقه‌های گودنشین حرکت می‌کنند! گرچه هر کس بیاید؛ چه توانگر و چه تهیدست، این در به روی او باز است؛ ولی مهمانان کسانی هستند که واجد این دو شرط باشند: - یا اهل این دو شرط باشند یا طبق این دو شرط فکر کنند - یا کسانی باشند که پیاده می‌آیند یا سوار مَرکب‌های ضعیف و لاغر می‌شوند، یا اگر توانگر هستند، به وصف پیاده‌ها و مَرکوب ضعیف‌نشین بیایند: (وَ اُذُنٌ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوکَ رَجَالًا وَ عَلَی کُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ). درست است که در آیه دیگر فرمود: (لِلّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَیْهِ سَبیلًا)، گرچه اغنیا و توانگران که مستطیع می‌باشند بر آن‌ها واجب است، اما «مُکَلَّف» حساب دیگری داد و «ضَیْف» حساب دیگر؛ «مُتَادا» و «مُخَاطَب» حساب دیگری دارند و مَکَلَّف حساب دیگر.

این سرزمین سرزمین وحی است و در سرزمین وحی سفره وحی و نبوت و رسالت و ولایت و امامت گسترده است؛ مهمانان این

سرزمین غذای وحدانیت و احدیت، از یک سو؛ بهره‌وری از وحی و نبوت و رسالت و خلافت و امامت از سوی دیگر را می‌چشد و بهره‌وری دارند؛ اگر کسی اهل «رجال» و «ضامِر» نبود، باید به این وصف بیاید، چون «در کوی او شکسته دلی می‌خرند و بس». سر اینکه خدای سبحان از این گروه دعوت کرده، برای آن است که می‌خواهد دعوت میهمانان خود را هم پاسخ بدهد؛ یک تعامل و تقابلی بین این دعوت‌هاست.

درست است که هر کس به سرزمین مکه و وحی بار یابد جزء میهمانان خداست، اما مهمان دو قسم است: یک مهمان است که خدا با او تعامل و تقابل دارد؛ هم او را به مهمانی می‌پذیرد هم مهمانی او را می‌پذیرد و برخی‌ها مهمانی هستند که تعامل و تقابل دوجانبه بین آن‌ها؛ یعنی بین آن‌ها و خدا نیست. ذات اقدس الهی فرمود: - چه به خلیل خود و چه به حبیب خود (علیهمآلاف التحية و الثناء) - (وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ)، چرا اینها را دعوت بکن؟ برای اینکه اینها میهمانان ویژه من هستند، یک؛ میزبانان مخصوص من هستند، دو؛ من مهمان اینها خواهم بود و این یک تقابل است! اگر گفته شد حاجی و معتمر «ضیف الرحمن» است، ذات اقدس الهی فرمود: «أَنَا عِنْدَ الْمُتَكْسِرَةِ قُلُوبُهُمْ». آن انسان دل‌شکسته‌ای که «رجالاً» آمده، (وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ) آمده، آن انسان تهیدست دلشکسته، میزبان من است و من مهمانی او را می‌پذیرم. بنابراین حاجی و معتمر اگر در کسوت «رجال» آمده است اگر به کسوت (وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ) - گرچه متمکن هست - به این حال آمده و در این حال بوده است که حالت ضعف و فقر خود را در نظر گرفته است؛ گفت بنده «مُسْكِينِ مُسْكِينِ مُسْتَجِيرٍ» هستم، با این وصف آمده است، می‌تواند با خدا یک تعامل متقابلی باشد که هم مهمان خدا بشود و هم میزبان الهی؛ گرچه در هر دو حال مهمان خداست؛ زیرا این ضیافت را از ذات اقدس الهی گرفته است؛ «مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمُنْكَ».

معظم له سپس به وظیفه مسئولان و روحانیون بعثه اشاره کردند و بیان داشتند: وظیفه همه مخصوصاً عالمان و روحانیون، بالأخص بعثه‌ها و مسئولان بعثه، همه اینها باید بکوشند که این تعامل متقابل عبد و مولا را در مسئله حج و عمره پیاده کنند. ما باید در این سمت‌وسو حرکت کنیم، با خدا معامله کنیم و تعامل متقابل «ضیف» و «میزبان» را داشته باشیم.

وجود مبارک ابراهیم خلیل که صریحاً اعلام کرد و فرمود: (فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي)؛ این جزء ندای نبوت عام است، ندای رسالت عام است، ندای خلافت عام است، ندای امامت عام است و اختصاصی به هیچ ملت و نحله‌ای ندارد. این بیان نورانی خداست که از زبان ابراهیم خلیل (سلام الله علیه) در سوره «ابراهیم» آمده است که فرمود: هر کس که راهی راه من شد، از من است؛ (فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي). همه ما فرزندان خلیل حقی هستیم که در پایان سوره «حج» فرمود: (مِلَّةَ أَبِيكُمْ) این منصوب به اگراست، (مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ)؛ او پدر ماست و صریحاً اعلام کرد فرمود: (فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي)، بنابراین ما می‌توانیم ابراهیمی باشیم و ابراهیمی فکر کنیم.

اگر کسی ابراهیمی شد، در فضای زیست خودش باید کعبه بسازد مسجد و مَعْبِدو مَطَاف و قبله بسازد و خودش هم قبله و مَطَاف و مَعْبِد شود، تا از دیدن او از سیره او از ست او و از سرپرست او عده‌های بهره‌عبادی ببرند، تا بشود پیرو خلیل حق و در تمام این کارها براساس وحدانیت و احدیت خدا بیندیشد، نه غیر آن که فرمود: (وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا)، این (رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا) زمزمه زیر لب آن مهندس و این معمار بود؛ تمام این سنگ‌ها و ملات‌ها را که جابه‌جا می‌کردند، می‌گفتند: (رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا). ما هم در زندگی خود، مسجد و معبد درست کنیم که بشود مَطَاف و قبله و معبد عامه مسلمان‌ها، آن هم با شعار (رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا)، چون پدر ما این کار را کرده است، ما هم می‌توانیم طبق پیام ابراهیمی از اهل بیت خلیل حق شویم که اگر کسی اهل بیت خلیل حق شد، اهل بیت حبیب حق هم خواهد بود.

وجود مبارک ابراهیم که براساس (مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ) پدر ماست و همه ما را به مهمانی دعوت کرده است، با آن تبرت‌ها را شکست و هرگونه شرک ظاهری و باطنی را درهم کوبید. حاجیان و معتمران در شرق و غرب عالم به پیروی از ابراهیم خلیل، باید به مبارزه با شرک در اشکال مختلف آن بپردازند. بنابراین حجی که زائران و معتمران دارند، به لطف الهی حجی مقبول خواهد بود، لکن همان کسی که این مَطَاف و این قبله و این معبد را بنا کرد، ذات اقدس الهی به او فرمود که صریحاً اعلام بکن: (لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ)، عمل ظاهر؛ آن قربانی، آن گوشت آن خون یا آن سنگ و مانند آن که «رمی جمره» می‌شود، اینها یک واجباتی است که بر همه ما لازم است تا انجام بدهیم، ما هم «سمعاً» و «طاعاً» انجام داده و انجام می‌دهیم؛ اما اساس کار این است که فرمود روح این عبادت به خدا می‌رسد! روح عبادت اشتیاق به وحدانیت و احدیت اوست، اولاً؛ احیای نبوت و وحی و رسالت و امامت و خلافت و اهل بیتی بودن است، ثانیاً؛ (فَجَعَلَهُمْ جُودًا إِلَّا كِبِيرًا لَهُمْ)، ثالثاً؛ تا جهان جهان مَهْد و امن شود. امیدواریم ذات اقدس الهی حج و عمره و زیارت همه زائران «بیت عتیق» را به أحسن وجه بپذیرد و دعای همه حاجیان و معتمران و زائران را به أحسن وجه مستجاب فرماید.